

Futures Studies on the Situational (Security-Defense) Status of Iran and Iraq in the West Asian Regional Security System (2025–2035)

Sabah Jaber¹, Hamidreza Saeedynzhad² , Shahram Fattahi³

¹ Political Science (Iranian Politics), Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. sabahjaber1999@gmail.com

² Department of Political Science and International Relations, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (**Corresponding author**). saeedynzhad@iau.ac.ir

³ Department of Political Science and International Relations, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. shahramfattahi@iau.ac.ir

Abstract

The purpose of this study is to identify the situational status and positioning of Iran and Iraq within the West Asian regional security system over the coming decade. The significance and necessity of this research lie in enabling futures studies theorists and foreign policy analysts to gain a deeper, more nuanced understanding of the future security landscape in West Asia—and the specific roles of Iran and Iraq therein. Armed with these insights, they can develop comprehensive, structured strategies grounded in evidence-based foresight. This research adopts an applied futures studies approach, employing scenario planning as its method. It is qualitative in nature and follows a descriptive-analytical framework. The central question is: In what direction will the defense-security positioning of Iran and Iraq evolve within the West Asian regional situation over the next decade? It appears that the situational positioning of Iran and Iraq in the West Asian regional system will diverge significantly over the coming decade. This stems from their contrasting strategies and objectives within the regional arena. Using an adapted version of Peter Schwartz's scenario planning methodology, we analyzed the defense-security situation of both countries over the next decade. Our analysis yielded the following key findings. For Iran, two critical uncertainties emerge based on its interests, drivers, and influential factors in the regional security situation: (1) Central government duality and weakness (fragmentation, pressure, and sanctions); (2) Central government cohesion (alignment between diplomacy and the battlefield). These uncertainties generate two scenarios: (i) Fragmentation and collapse and (ii) attaining regional power and hegemony. For Iraq, two uncertainties were identified based on its influential components and drivers: (1) Central

Cite this article: Jaber, S., Saeedynzhad, H.R. & Fattahi, Sh. (2025). Futures Studies on the Situational (Security-Defense) Status of Iran and Iraq in the West Asian Regional Security System (2025–2035). *Political science*, 28(2), p. 159-182. <https://doi.org/10.22081/psq.2025.71350.2963>

Received: 2025-02-27

Revised: 2025-04-07

Accepted: 2025-04-26

Published online: 2025-07-01

Type of article: Research Article

Publisher: Baqir al-Obaydi University

<https://pwq.bou.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



government authority (unity); (2) Central government weakness and disintegration (ethnic conflicts, etc.). The resulting scenarios are (i) Fragmentation; (ii) Federalism; (iii) Cohesive Iraq. The findings indicate that defense-security arrangements in West Asia over the next decade will follow four patterns: hegemonic stability, participatory governance, balance of power, and regional hegemony. Iran, leveraging its interests, capabilities, and regional standing, pursues its ultimate goal—eliminating regional and international rivals and achieving regional hegemony (Scenario 2)—through various strategies. Iraq, in contrast, seeks a participatory model and, to a lesser extent, balance of power, primarily through the Cohesive Iraq and Federalism scenarios.

Keywords: Future studies, scenario planning, security of regional system, balance of power, regional hegemony.



آینده پژوهی وضعیت محیطی (امنیتی - دفاعی) دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا (۲۰۳۵-۲۰۲۵م)

صبح جابر^۱، حمیدرضا سعیدی نژاد^۲، شهرام فتاحی^۳

^۱ گروه علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. sabahjaber1999@gmail.com
^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول). saeedynezhad@iau.ac.ir
^۳ گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. shahramfattahi@iau.ac.ir

چکیده

هدف از طرح پژوهش حاضر شناسایی وضعیت و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در محیط نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه آینده است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در آن است که نظریه پردازان و تحلیل گران در حوزه آینده پژوهی و سیاست خارجی، آینده محیط امنیتی نظام منطقه‌ای غرب آسیا و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق را بیشتر و بهتر شناخته و با عمل به پژوهش‌های صورت گرفته، برنامه‌ای جامع و مدون ترسیم کنند. پژوهش حاضر با نگاهی آینده پژوهانه، از نوع آینده پژوهی کاربردی، با روش سناریونویسی، به شیوه کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین و طراحی شده است. سؤال پژوهش حاضر این است که جایگاه وضعیت محیط دفاعی - امنیتی دو کشور ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو به کدام سمت و سویی خواهد کشید؟ به نظر می‌رسد جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در نظام منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو متفاوت از هم خواهد بود؛ زیرا راهبرد و اهداف طراحی شده دو کشور در محیط منطقه‌ای متفاوت و متضاد است. در این پژوهش به شیوه سناریونویسی (سناریوسازی) شوارتز و با اعمال تغییراتی، وضعیت محیطی (دفاعی - امنیتی) دو کشور ایران و عراق را در دهه پیش روی مورد تحلیل قرار دادیم و به نتایج زیر دست یافتیم. با توجه به منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش روی، به دو عدم قطعیت می‌رسیم: ۱. دوگانگی و ضعف دولت مرکزی (تجزیه، فشار و تحریم)؛ ۲. یکپارچگی دولت مرکزی (همسویی دیپلماسی و میدان). سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از دو عدم قطعیت، اول سناریوی تجزیه و سرنگونی بود؛ سناریوی دوم رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای. در مورد عراق نیز با توجه به مؤلفه‌ها و پیشران‌های مؤثر دو عدم قطعیت طراحی شد. ۱. اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی)؛ ۲. ضعف و ازهم گسیختگی دولت مرکزی (منازعات قومی و...). سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از عدم قطعیت‌های موجود، سناریوی تجزیه، سناریو فدرالیسم و سناریو عراق منسجم بودند. نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که ترتیبات محیط دفاعی - امنیتی در دهه پیش روی در منطقه غرب آسیا از چهار الگوی «ثبات هژمونیک»، «مشارکتی» و «موازنه قدرت»، هژمون منطقه‌ای پیروی می‌کند. ایران با توجه به منافع، مؤلفه‌ها و جایگاهی که در منطقه دارد، هدف

استاد به این مقاله: جابر، صبح؛ سعیدی نژاد، حمیدرضا؛ فتاحی، شهرام (۱۴۰۴). آینده پژوهی وضعیت محیطی (امنیتی - دفاعی) دو کشور ایران و عراق در

نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا (۲۰۳۵-۲۰۲۵م). علوم سیاسی، ۲۸(۲)، ص ۱۵۹-۱۸۲. <https://doi.org/10.22081/psq.2025.71350.2963>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسنندگان.



غایی خود را با طراحی راهبردهای متفاوت، حذف رقیبان منطقه‌ای و بین‌المللی، رسیدن به هژمون منطقه‌ای (سناریوی دوم) را طراحی کرده است. عراق هم با توجه منافع، مؤلفه‌های موجود و جایگاه خود، در پی الگوی مشارکتی و تا حدودی توازن قدرت از طریق سناریوی عراق منسجم و فدرالیسم است.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، سناریوسازی، امنیت نظام منطقه‌ای، موازنه قدرت، هژمون منطقه‌ای.



۱. مقدمه

محیط راهبردی و منطقه‌ای غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و شرایط خاص خود، یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته تاکنون و در آینده به شمار می‌رود. دو واژه امنیت و انرژی موضوعات کلیدی در این منطقه هستند و ترتیبات امنیتی - اقتصادی در محیط راهبردی منطقه غرب آسیا از دیرباز مورد توجه و طمع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است (کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۳، ص. ۲). روابط متقابل میان دو کشور ایران و عراق به عنوان دو بازیگر کلیدی در منطقه امنیتی غرب آسیا، از دیرباز دارای اهمیت اساسی بوده است. این امر در جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دارای سنخیت و ارتباط‌های تنگاتنگ بوده است. سرنگونی رژیم بعث در عراق و بروز تحولات جدید با قدرت‌یابی شیعیان در عراق را که به تغییر ماهیت و ویژگی‌های جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق منجر گردید، می‌توان نقطه عطفی در روابط ایران و عراق معرفی کرد. امنیت در عصر آشوب و در محیط منطقه‌ای آشوب‌زا، دامنه گسترده‌ای از مفاهیم، از سیالیت تهدیدها تا ادراک‌های هر بازیگر از وضع کنونی درباره ارتقای سطوح دفاعی خود را در بر می‌گیرد. این وضعیت برای بازیگرانی همچون ایران و عراق که در شبکه منطقه‌ای آشوبی زیست می‌کنند، به مراتب پیچیده‌تر نیز هست. مسیر دشوار تحولات امنیت در طول تاریخ آشکارا نمایان است و این مسیر به‌ویژه برای این دو کشور به علت موقعیت‌های جغرافیایی، دگرگونی‌های بیشتری را نیز به خود دیده است (موسوی و قاسمی، ۱۴۰۳، ص. ۱۹۱). هدف نهایی هر بازیگری در محیط بین‌الملل آن است که از جنبه‌های مختلف به امنیت ملی و منطقه‌ای توجه داشته باشد و برای شکل‌گیری امنیت ملی خود، ناگزیر است امنیت ملی خود را به امنیت منطقه‌ای و محیط بین‌الملل پیوند زند. شرایط محیطی جنگ‌های آینده در منطقه غرب آسیا و وضعیت دو کشور ایران و عراق در این محیط و بازنمایی و شبیه‌سازی این نظریه می‌تواند گامی مؤثر در تحلیل وضعیت محیطی این منطقه و بازیگری دو کشور ایران و عراق در این محیط منطقه‌ای باشد. نوآوری در بازنمایی وضعیت محیطی و آینده‌پژوهی، بازنمایی شرایط محیطی در دهه آینده و تحلیل وضعیت منطقه غرب آسیا، تخیلی است که ممکن است شرایط شبیه آن در آینده نمایان شود و به وقوع بپیوندد. یکی روش‌های پژوهش آینده، سناریونویسی و سناریوسازی است. این روش با نگاهی خطی، جنبه‌هایی از آینده و مسیرهای منتهی از حال به آینده را به تصویر خواهد کشید؛ از این‌رو در این روش مجموعه‌ای از سناریوهای طراحی شده می‌توانند محدوده قابل توجهی از احتمال‌ها در آینده را به تصویر بکشند. دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق پس از سقوط صدام و رژیم بعث (در سال ۲۰۰۳ م.)، با توجه به مؤلفه‌ها و اشتراک‌های مختلف در محیط امنیتی غرب آسیا، همسویی‌ها و ارتباطات محیطی جامعی با هم دارند. به تصویر کشیدن و آینده‌پژوهی تحلیل وضعیت و جایگاه محیطی این دو کشور در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا که همواره جولانگاه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای برای پیشبرد

اهداف و منافع ملی و بین‌المللی بوده، مسئله‌ای است که پژوهش حاضر با روش مشخص به تحلیل و واکاوی آن پرداخته است. پژوهش حاضر با نگاهی آینده‌پژوهانه، از نوع آینده‌پژوهی کاربردی، با روش سناریو نویسی، به شیوه کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی طراحی شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که جایگاه وضعیت محیط دفاعی - امنیتی دو کشور ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو به کدامین جهت خواهد گرایید؟ به ظاهر جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در نظام منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش روی متفاوت از هم خواهد بود؛ زیرا راهبرد و اهداف طراحی شده در دو کشور در محیط منطقه‌ای متفاوت و متضاد است. هدف از طرح این پژوهش شناسایی وضعیت و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در محیط نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش روست. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در آن است که نظریه پردازان و تحلیل‌گران حوزه آینده‌پژوهی و سیاست خارجی، آینده محیط امنیتی نظام منطقه‌ای غرب آسیا و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق را بیشتر و بهتر بشناسند و با تاسی از پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، برنامه‌ای جامع و مدون برای آن ترسیم کنند.

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

پس از بررسی و تحلیل ادبیات موجود داخلی و خارجی در زمینه موضوع مورد بحث، به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه چند اثر را که با موضوع سنخیت بیشتری دارند، به اختصار تحلیل می‌کنیم.

نگارندگان و سال انتشار پژوهش	موضوع پژوهش	خلاصه نتایج و یافته‌های پژوهش
خزلی و شاه‌محمدی (۱۴۰۳)	سناریوهای آینده نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در افق ۱۴۰۵.	به دلیل محیط امنیتی و نظم منطقه‌ای در غرب آسیا و تهدیدهای روزافزون در این منطقه، امنیت همه این کشورها به هم گره‌خورده است؛ بر همین اساس طراحی سناریوهای مطلوب و موجود جمهوری اسلامی ایران برای آینده بر کل منطقه تأثیرگذار خواهد بود.
موسوی و قاسمی (۱۴۰۳)	جنگ‌های شبکه‌ای و بازدارندگی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران.	تغییر و تحول فناوری‌های نوظهور آن چنان که در جنگ‌های آینده تغییرات ایجاد می‌کند، در راهبرد بازدارندگی نیز ایجاد تحول می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز ناگزیر از این تحول خواهد بود. این تحولات در راستای راهبرد مورد نظر و بر مبنای هزینه-فایده قابل تحلیل خواهد بود.
علی‌یاری و رنجبر (۱۴۰۳)	راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه).	مشکلات موجود در منطقه پراشوب خاورمیانه، سبب برجسته‌سازی نقش ایران در این منطقه شده است. اما به‌رغم مخالفت قدرتهای بزرگ همچون ایالات متحده در این منطقه، جمهوری اسلامی ایران راهبردی منطقی و هوشمندانه با کشورهای منطقه در مسئله بحران‌های موجود در این منطقه داشته است.
نورمحمدی و دمیرچی (۱۴۰۳)	عمل‌گرایی در سیاست خارجی عراق (۲۰۲۳-۲۰۰۵م): ویژگی‌ها و پیامدها.	اهداف، منافع و راهبرد عراق در سال‌های مورد نظر بر اساس عمل‌گرایی کوچک و در راستای حفظ بقای نظام ترسیم شده است. در حوزه سیاست خارجی نیز این کشور راهبرد توازن قوا در میان قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی را پی گرفته است.

نگارندگان و سال انتشار پژوهش	موضوع پژوهش	خلاصه نتایج و یافته‌های پژوهش
لیام اندرسون و گرت استنسفیلد ^۱ (۲۰۱۴م.)	آینده عراق: دیکتاتوری، دموکراسی یا تجزیه؟	با توجه به آمال و اهداف هرکدام از گروه‌های عراقی، پیش‌بینی‌هایی را در مورد چالش‌ها و یا همکاری‌های این گروه‌ها با یکدیگر در حکومت آینده عراق انجام داده‌اند و بیشتر مباحث آنها، چالش‌های دموکراسی در عراق آینده است.
دیس جولین بارنز ^۲ (۲۰۲۴م.)	فراثر از نیروهای نیابتی: استراتژی عمیق‌تر ایران در سوریه و لبنان.	محور مقاومت یک قدرت و بازیگر واحد است که در پی تقویت همگرایی و قدرت خود در محور تحت نفوذ می‌باشد و در این راستا کمک‌های جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تأمین‌کننده و مبدأ محور مقاومت در اختیار دارد.
اسلاوین باربارا ^۳ (۲۰۲۳م.)	جمهوری اسلامی ایران همچنان قدرت اصلی خارجی در عراق است.	همگرایی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق در ایجاد تنش‌های سیاسی و گروه‌های تکفیری میزان همکاری خود را به میزان قابل‌توجهی افزایش داده و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین بازیگر غرب آسیا در این پژوهش معرفی شده است.
پیتر گالبرایت ^۴ (۲۰۱۳م.)	پایان عراق: چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟	آمریکا که در زمان کوتاهی توانست عراق را به اشغال خود درآورد، برای دوران پس از اشغال هیچ برنامه‌ای نداشت. این نویسنده نتیجه می‌گیرد که تجزیه عراق به سه کشور، بهترین گزینه برای آینده عراق است.

با بررسی ادبیات موجود در زمینه موضوع مورد نظر نگارنده و تحلیل چند نمونه از این موارد درمی‌یابیم که موارد یادشده به تحلیل و واکاوی عواملی همچون نظم منطقه‌ای غرب آسیا، سازمان پیمان دفاعی کشورهای غرب آسیا، تأثیر نفوذ عراق در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس، جریان‌های تحول‌ساز و قدرتمند در تحولات سیاسی عراق پس از سال ۲۰۰۳م.، نظم منطقه‌ای در خاورمیانه و کنشگری قدرت‌های منطقه‌ای، روابط ایران و اعراب به‌ویژه عراق در حل منازعه‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، نفوذ سیاسی و امنیتی ایران در عراق و نقش و بازیگری ایران در تحولات غرب آسیا تحلیل و بررسی شده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که نگارنده با نگاهی متفاوت به موضوع، و با دیدگاهی آینده‌پژوهانه و روش و چارچوب نظری مشخص (روش سناریونویسی شوارتز) و با اعمال تغییراتی، وضعیت محیطی دو کشور و قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا (ایران و عراق) را هم‌زمان تحلیل و واکاوی کرده و سناریوهای پیش روی دو کشور در دهه آینده (۲۰۳۵ - ۲۰۲۵م.) درباره وضعیت محیطی و جنگ‌های آینده در غرب آسیا را بررسی کرده است.

۳. مفهوم‌شناسی

آینده‌پژوهی و جنگ‌های آینده: در جنگ‌های آینده بازنمایی‌ها می‌توانند به رویدادهای تاریخی معطوف

1. Leam Anderson and Great Estensfeilld
2. Deice Jollean Barens
3. Esllavean Barbara
4. Petear gallberayte

باشند؛ اما عمده نوآوری در بازنمایی وضعیت محیطی و آینده‌پژوهی بازنمایی شرایط محیطی تخیلی است که ممکن است شرایط شبیه آن در آینده نمایان شود (احمدیان، ۱۴۰۳، ص. ۱۸۲). محور واژه آینده‌پژوهی پیش‌بینی یا آینده‌نگری نیست، بلکه موضوع این واژه، آینده‌سازی است. در این راستا همواره آینده‌پژوهی در ذیل اهداف و روش کیفی و رویکرد تفسیری قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت که خلق ایده، آینده‌موزون و هدایت نگرش‌ها به سمت پذیرش تغییر می‌توانند ویژگی‌های آینده‌پژوهی را شکل دهند (ترزم پور، ۱۴۰۳، ص. ۸۶)؛ از این‌رو آینده‌پژوهی برای تحلیل وقایع و رویدادها از دو مسیر گام برمی‌دارد: نخست از طریق بهره‌گرفتن از رویدادها و دانش گذشته و حال، با این توضیح که با تعیین چارچوب‌ها، الگوها و فرایندها به پیش‌بینی آینده می‌پردازد. این مسیر تنها با اتکا بر داده‌های رخ داده در گذشته، می‌کوشد الگوی درست تغییر را بیابد و آن‌گاه آینده را درست پیش‌بینی کند؛ مسیر دوم با نگاهی کیفی بر مقوله آینده‌پژوهی، بر این باور است که پیش‌بینی آینده عوامل متعددی را در بر می‌گیرد که شناخت آنها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو نمی‌توان متغیر جامع و دقیقی برای شناخت این مقوله تعریف کرد. (روش‌های کمی فعلی از شناخت قطعی این عوامل ناتوان‌اند)؛ از این‌رو در این زمینه، نظریه‌پردازان ناگزیر در پاسخ به چالش‌های موجود، به روش سناریونویسی در محیط کیفی روی آورده‌اند (کریمی پور و رائیجی، ۱۴۰۲، ص. ۳۲).

آینده‌پژوهی و سناریوسازی (سناریونویسی): سناریوسازی یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها در حوزه مطالعات آینده‌پژوهی است. فن سناریونویسی، یعنی به‌تصویر کشاندن احتمالات آینده و تحلیل، بررسی و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده آن موضوع بر اساس داده‌ها و ساختن مجموعه‌ای از باورها و داستان‌های توصیفی که هریک به بخش خاصی از آینده نگاه متفاوتی دارند (Showartez, 2007, p. 219)؛ بنابراین هدف یک سناریو، دستیابی به محتمل‌ترین آینده و یا محتمل‌ترین مسیر از میان راه‌های پیچیده نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از متغیرها، اتفاق‌ها، پویایی سیستم و پیامدهای آن است؛ یعنی در انتخاب یک سیاست درست برای رسیدن به هدف مهم تدوین سناریو، گام نخست آینده‌پژوهی است (میرحسینی و عیوضی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۹)؛ بنابراین سناریونویسی جنبه‌هایی از آینده و مسیرهای از حال به آینده را به تصویر می‌کشد و در این روش مجموعه‌ای از سناریوها می‌توانند محدوده قابل قبولی از احتمال‌های آینده را نشان دهند. هرچند سناریوها می‌توانند تصورات پیچیده‌ای از آینده را نشان دهند، احتمال فاصله‌گرفتن از واقعیت نیز وجود دارد (میرزایی کهق، ۱۴۰۲، ص. ۳۷).

امنیت و نظم منطقه‌ای: باری بوزان^۱ در مقام نماینده اصلی امنیت و نظم منطقه‌ای (مکتب کپنهاگ)، بر این باور است که امنیت منطقه‌ای به امنیت ملی و بین‌المللی معنا و مفهوم می‌بخشد؛ بنابراین هدف غایی

1. Bary Bouzan

سیاست خارجی هر بازیگری در محیط بین‌الملل آن است که از جنبه‌های مختلف به امنیت ملی و منطقه‌ای توجه داشته باشد و برای شکل‌گیری امنیت ملی خود ناگزیر است امنیت ملی خود را به امنیت منطقه‌ای پیوند دهد. بوزان و ویور در کتاب مشترکشان با عنوان *مناطق و قدرت‌ها* معتقدند که امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت اتکا داشت. از طرفی دیگر سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست. این دو معتقدند برای جلوگیری از گستردگی تعریف امنیت، باید سلسله‌مراتبی از سطوح تحلیل در درون نظام بین‌الملل را در نظر داشت که هر یک از آنها قابل دوام، مهم و حاوی ویژگی‌های ویژه‌ای باشند که آنها را از لحاظ امنیتی خودبسنده کند (Bouzan, 1991).

آینده‌پژوهی نظام منطقه‌ای در غرب آسیا: شکل‌گیری منازعه‌های امنیتی در غرب آسیا سبب شده است تا بوزان آن را مجموعه‌ای منازعه‌ساز و کشمکش‌زا بنامد؛ بر همین اساس الگوهای نظم منطقه‌ای همواره در وضعیتی مبهم، سیال و متغیر قرار داشته و تاکنون هیچ الگوی پایداری در این زمینه شکل نگرفته است (خزلی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۳، ص. ۶۴). از دیدگاه بوزان و ویور عوامل شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای، وابستگی متقابل امنیتی (شبکه‌ای از تعاملات بین اعضا در یک مجموعه)، وجود الگوهای دوستی و دشمنی (وجود اختلاف‌نظرهای مختلف)، مجاورت جغرافیایی (داشتن مرز مشترک میان اعضا)، وجود دست‌کم دو بازیگر قدرتمند و مؤثر در درون مجموعه هستند (غفاری هاشجین و نیکونهاد، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۳). به باور بوزان در غرب آسیا با وجود مداخله مداوم قدرت‌های بزرگ، چند دهه میان تمام کشورهای منطقه یک نظام امنیتی مستقل منطقه‌ای شکل گرفته و امنیت منطقه غرب آسیا را تأمین کرده بود (Bouzan, 1991)؛ بر این اساس آینده‌پژوهی تحولات غرب آسیا برای جلوگیری از هرگونه چالش امنیتی، کمک به شناخت موانع همگرایی در این منطقه و شناسایی عوامل تأثیرگذار نشانگر اهمیت تعیین سناریوهای مطلوب نظم منطقه‌ای غرب آسیا است (خزلی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۳، ص. ۵۶).

آینده امنیت و نظم منطقه‌ای: باری بوزان در کتاب *مردم، دولت‌ها و هراس* که جامع‌ترین تحلیل نظری امنیت در روابط بین‌الملل است، معتقد است امنیت در سطح دولت شکل می‌گیرد و سطوح مختلف آن دارای آثار متقابل بر یکدیگرند و بین آنها وابستگی متقابل جریان دارد. دلیل برتری این دیدگاه آن است که این نظریه اختصاصی کاربر بر موضوع امنیت منطقه‌ای و ابعاد آن تمرکز کرده است (Bouzan, 1998). بدین‌سان سیاست‌گذاری امنیتی مناسب برای هر کشوری، سیاستی است که به امنیت چندوجهی توجه ویژه کند و برای کسب امنیت ملی نگاه خاصی به امنیت منطقه‌ای داشته باشد. از دیدگاه ایشان چون سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی نمی‌توانند برای تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به منطقه کارایی لازم و کافی را داشته باشند، وجود یک سطح تحلیل میانه ضروری خواهد بود. در این چارچوب از لحاظ

امنیت، منطقه به معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک به یکدیگر باشند (کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۳، ص. ۹).

۴. چارچوب نظری: تلفیق آینده‌پژوهی (سناریونویسی) و نظریه امنیت نظام منطقه‌ای بوزان

سناریونویسی پیتر شوارتز^۱: به باور شوارتز، سناریوها ابزاری برای نظم‌بخشیدن به درک و تصور شخصی نسبت به محیط‌های بدیل آینده و دسته‌ای از روش‌های سازمان‌یافته، جهت تصور و تخیل مؤثر درباره آینده و وسیله‌ای برای کمک به یادگیری افراد است (Showartez, 2007, p. 227). هدف سناریوها گردآوری و تبدیل اطلاعات راهبردی مهم به ادراک‌های نو است. در روش ابداعی شوارتز، گام‌های مؤثر و ویژه‌ای برای طراحی سناریو پیش‌بینی شده است که هدف غایی را ارائه سناریوهای بدیل درباره موضوع مورد پژوهش قرار می‌دهند. در این روش، اولین گام شناسایی موضوع یا مسئله اصلی پژوهش است؛ گام دوم شناسایی عناصر ویژه و کلیدی است؛ گام بعدی شناسایی عوامل و پیشران‌های اصلی و عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی است؛ نهایت اینکه با شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی، سناریوهای بدیل طراحی می‌شود و در نهایت این سناریوها پربار شده و عناصر آنها مشخص می‌شوند (اسدی و راستگو، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۳).

با توجه به چارچوب نظری پژوهش، در ادامه وضعیت محیطی (دفاعی - امنیتی) دو کشور ایران و عراق را در دهه پیش رو تحلیل می‌کنیم؛ از این‌رو با توجه به منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو، در ادامه بحث دو عدم قطعیت بحرانی، یعنی دوگانگی و ضعف دولت مرکزی (تجزیه، فشار و تحریم) و یکپارچگی دولت مرکزی (همسویی دیپلماسی و میدان) را تحلیل و واکاوی می‌کنیم. در ادامه پژوهش، سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از دو عدم قطعیت بحرانی، شامل سناریوی تجزیه و سرنگونی بود. گفتنی است سناریوی رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای، ویژه کشور ایران است. در مورد کشور عراق نیز با توجه به مؤلفه‌ها و پیشران‌های مؤثر، دو عدم قطعیت بحرانی طراحی شد که شامل اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی) و ضعف و ازهم‌گسیختگی دولت مرکزی (منازعات قومی و...) می‌باشند. سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از عدم قطعیت‌های موجود شامل سناریوی تجزیه، سناریوی فدرالیسم و سناریوی عراق منسجم می‌باشد؛ از این‌رو با توجه به عدم قطعیت‌های بحرانی و سناریوهای طراحی شده در ادامه پژوهش و در قسمت تجزیه و تحلیل به واکاوی و تحلیل این داده‌ها و یافته‌های موجود خواهیم پرداخت.

1. Peiter Showartez

۵. الگوی چینش امنیت منطقه‌ای برای دو کشور ایران و عراق (۲۰۳۵-۲۰۲۵م.م)

الف) الگوی ثبات هژمونیک: این الگو سبب صف‌بندی مجموعه‌ای از کشورهایی با منافع مشترک، علیه مجموعه‌ای از کشورهای در تضاد با منافع ملی آنها که قصد دارند از طریق عملیات نظامی یا فشار اقتصادی علیه آنها، سیاست بازدارندگی را اعمال کنند، اتفاق می‌افتد؛ برای نمونه ایران و عربستان با توجه به تعریفی که از اسلام سیاسی دارند، الگوهای مختلفی از امنیت منطقه‌ای را در نظام سیاسی خود ترسیم می‌کنند؛ از این‌رو این نظریه بدین معناست که مثلاً آمریکا با حمایت از عربستان قصد دارد توازن را در محیط امنیتی غرب آسیا برقرار سازد؛ چون توازن قوا در این محیط امنیتی موجب ثبات منطقه شده و این کار با هدف بازدارندگی، نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای خواهد بود (cats, 2018).

ب) الگوی مشارکتی: اصولاً الگوی مشارکتی برای ارتباط بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته و قصد ایجاد اعتماد میان کشورهای منطقه‌ای را دارد. این موضوع می‌تواند از طریق مذاکره، همکاری و توافق میان بازیگران انجام شود. در واقع توسعه امنیتی بر اساس همکاری و توافق، روندی تکاملی بوده است و با شکل دادن به مجموعه‌ای از ابزارها که به اصول امنیت مبتنی بر همکاری کمک می‌رسانند، به دست می‌آید.

ج) الگوی موازنه قدرت: در این الگو نظام امنیت منطقه‌ای متشکل از یک یا چند بازیگر همگرا، با مشارکت قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد و بر الگوی رقابت و منازعه تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین از این طریق تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، الگوهای تعامل و کنش بازیگران در امنیت منطقه‌ای را دگرگون می‌سازد. تولید و گسترش سلاح‌های پیشرفته و کشتار جمعی، سامانه‌های موشکی کارآمد و پیشرفته، موازنه امنیت منطقه‌ای را دگرگون کرده است (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۳۴۸).

د) الگوی قدرت و هژمون منطقه‌ای: الگوی قدرت منطقه‌ای مفهومی است که پس از نظام دوقطبی مطرح شد. در نظام سلسله‌مراتبی جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای، بازیگرانی هستند که جایگاه و کارکردشان اهمیت دارد. این بازیگران که در قالب نظریه مجموعه‌های امنیتی مطرح شده است، بین قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌های جهانی عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند؛ نیز قدرت‌های منطقه‌ای که احتمال نفوذ آنها در منطقه خود زیاد باشد، ولی در سطح جهانی مورد توجه قرار نگیرند، تمایز قایل می‌شوند (سلیمی، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۴). ایران به دلیل برخورداری از ظرفیت‌هایی همچون گستره سرزمینی، جمعیت فراوان، منابع طبیعی کافی و متنوع، موقعیت جغرافیایی ویژه، توانمندی‌های نظامی و دفاعی، داشتن طرفداران زیاد در کشورهای همجوار، به‌ویژه کشورهای شیعه می‌تواند در صورت حضور پررنگ در منطقه امنیتی غرب آسیا، امنیت و ثبات و رشد اقتصادی را برای کشورهای منطقه و خودش با مشارکت کشورهای این حوزه به بار آورد؛ اما لازمه آن داشتن راهبرد در حوزه‌های مختلف و تلطیف بعضی سیاست‌های گذشته است؛ از این‌رو اگر ایران بر اساس راهبردهای تعریف شده حرکت نماید و در برخی سیاست‌هایش تجدید نظر

کند، در دهه آینده می‌توان به هژمون منطقه‌ای که هدف نهایی و غایی این کشور است، دست یابد (ایجابی و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۹).

با توجه به چپش محیط دفاعی - امنیتی و اهداف، منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار دو کشور ایران و عراق در دهه پیش رو در منطقه غرب آسیا، راهبرد دو کشور از چهار الگوی متفاوت پیروی می‌کند که عبارت‌اند از: الگوی ثبات هژمونیک، الگوی مشارکتی، الگوی موازنه قدرت، الگوی قدرت و هژمون منطقه‌ای. در ادامه و در راستای این الگوها توضیح خواهیم داد که ایران هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه‌ها و جایگاهی که در منطقه دارد، با طراحی راهبردهای متفاوت در پی حذف رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی و رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای (اجرای سناریوی دوم) طراحی کرده است. کشور عراق نیز هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه‌های موجود و جایگاه خود، در پی الگوی مشارکتی و تا حدودی توازن قدرت (سناریوی عراق منسجم و تا حدودی فدرالیسم) طراحی کرده است که در قسمت تجزیه و تحلیل داده‌ها به واکاوی و تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت.

۶. روش‌شناسی

پژوهش حاضر با نگاهی متفاوت و آینده‌پژوهانه از نوع آینده‌پژوهی کاربردی، با روش سناریونویسی، به شیوه کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین و طراحی شده است. روش گردآوری داده‌ها بدین صورت بود که داده‌های مورد استفاده از طریق منابع دسته اول و به صورت فیش برداری از منابع به صورت کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم شده است. هدف این پژوهش، شناسایی وضعیت و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیاست. اهمیت و ضرورت پژوهش نیز در آن است که نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران در حوزه آینده‌پژوهی و سیاست خارجی، آینده محیط امنیتی نظام منطقه‌ای غرب آسیا و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق را بیشتر و بهتر بشناسند تا بتوانند برنامه‌ای جامع و مدون ترسیم کنند.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج و یافته‌ها

پیشران‌های مؤثر دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه‌ای: یک نظام امنیتی منطقه‌ای، دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی به وقوع می‌پیوندند و اعضای مجموعه نیز کشورهایی هستند که به طور گسترده در این روابط حضوری مستمر دارند؛ از این رو وجود مجموعه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و نزدیکی جغرافیایی میان اعضای این واحدها، زیربنای اصلی شکل‌گیری یک نظام امنیتی است و سبب تمایز آن با دیگر مجموعه‌ها می‌گردد. برخی از ویژگی‌های نظام منطقه‌ای را می‌توان این‌گونه برشمرد: نزدیکی جغرافیایی، وجود الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌های عضو، وجود وابستگی متقابل میان اعضا، احساس تهدید و ترس متقابل میان دو یا چند

کشور قدرتمند درون مجموعه، مسئله همبستگی‌های نژادی، قومی و فرهنگی و عوامل اقتصادی (علی‌یاری و رنجبر، ۱۴۰۳، ص. ۹).

۱-۷. جمهوری اسلامی ایران

پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا به اختصار چنین‌اند: برخورداری از موقعیت تاریخی- تمدنی (دارای تاریخ و تمدن چند هزارساله)، موقعیت ژئوپلیتیک (دارای جغرافیای سرزمینی سوق‌الجیشی و برّی و بحری)، موقعیت ژئواستراتژیک (دارای تنگه راهبردی و منابع زیرزمینی و معدنی ویژه)، موقعیت سیاسی- امنیتی (دارای نظام سیاسی یکپارچه و همگون و جایگاه امنیتی خاص در منطقه)، محور نفوذ منطقه‌ای (ترسیم محور نفوذ و کمربند امنیتی ویژه دور مرزهای جغرافیایی خود) (Barenz, 2024)، فناوری‌های نوین امنیتی و نظامی (داشتن فناوری‌های نظامی و دفاعی برتر در محیط منطقه‌ای). این مؤلفه‌ها در نظام امنیت منطقه‌ای به‌گونه‌ای ترکیب شده‌اند که باید سیاست خارجی ایران در محیط امنیتی غرب آسیا ترکیبی از راهبردهای امنیتی- سیاسی، ژئوپلیتیک- جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی باشد تا منافع ملی و منطقه‌ای این کشور در محیط نظام منطقه‌ای تأمین شود (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۳۴۵).

۱-۱-۷. عدم قطعیت و سناریوهای پیش روی ایران در محیط نظام امنیت منطقه‌ای در دهه آینده

پس از بررسی پیشران‌ها بر اساس دو مقوله اهمیت و عدم قطعیت، باید عدم قطعیت‌های کلیدی شناسایی شوند؛ زیرا سناریوها از ترکیب پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی ساخته می‌شوند. بنا به تعریف، عدم قطعیت‌ها عواملی هستند که درباره آنها علامت‌سؤال‌های عمده‌ای وجود دارد. آنها با بی‌ثباتی، ابهام و عدم اطمینان همراه‌اند. در مورد جایگاه ایران و نظام امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا در شرایط محیطی جنگ‌های دهه پیش رو، می‌توان با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذاری همچون جایگاه محیط داخلی و دولت مرکزی (حوزه سیاست خارجی)، محیط منطقه‌ای (قدرت‌های منطقه‌ای) و فرامنطقه‌ای (قدرت‌های بزرگ) و همچنین برآورد امکانات و راهبرد، تصویری از سناریوی جنگ‌های یک دهه آینده برای ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا ترسیم کرد؛ بنابراین از برآیند خواسته‌ها، اهداف، منافع و جایگاه سه سطح تحلیل (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) که در حوزه راهبردی منطقه‌ای ایران دخیل هستند و با توجه به مطالعات پیشین، به دو عدم قطعیت اصلی برای آینده می‌رسیم که در تعیین راهبردهای این کشور در مورد جنگ‌های آینده تأثیرگذارند؛ از این رو این دو عدم قطعیت اصلی که به‌مثابه عوامل تعیین‌کننده آینده راهبرد ایران در محیط امنیت منطقه‌ای شناسایی شده‌اند، عبارت‌اند از: ۱. دولت منسجم (اقتدار و همسوی محیط داخلی، یعنی حوزه سیاست خارجی (دولت) و محیط امنیتی- دفاعی (فناوری‌های امنیتی- نظامی) که همان همسویی دیپلماسی با میدان است؛ ۲. ضعف دوگانگی دولت و محیط داخلی و

بین‌المللی (تضعیف و تجزیه داخلی). سیاست‌های دولت مرکزی برای نابسامانی وضعیت اقتصادی شکننده در محیط داخلی (فشارهای تحریمی قدرت‌های فرامنطقه‌ای با همکاری رقبای منطقه‌ای برای عقب‌راندن ایران از محیط) و گاه منازعه‌های قومی - مذهبی که ناشی از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی است. این عدم قطعیت نیز موجب عقب‌نشینی ایران در محیط منطقه‌ای برای سامان‌دادن به وضعیت داخلی و تضعیف جایگاه محیطی این کشور خواهد شد (فرهادی و متقی، ۱۴۰۳، ص. ۲۴۰).

الف) سناریوی تضعیف و تجزیه و سرنگونی داخلی (اهرم فشار و تحریم): این سناریو در راستای عدم قطعیت مورد دوم، تحقق‌پذیر خواهد بود. مؤلفه‌های اصلی این سناریو عبارت‌اند از: فشارهای بیش‌ازحد دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با تحریم‌های اقتصادی و امنیتی فلج‌کننده و بالاگرفتن منازعه‌های سیاسی، قومی و مذهبی و رشد شدید فقر در جامعه و... در این سناریو دولت مرکزی به تدریج قدرت و مشروعیت خود را از دست می‌دهد و توان اداره امور و مدیریت بحران‌های داخلی و حتی بین‌المللی را ندارد. از مهم‌ترین مشخصه‌های مرتبط در این سناریو عبارت است از: بحران سیاسی و نبود هرگونه همکاری و هماهنگی میان پیشران‌های مؤثر برای تشکیل دولت مقتدر و فراگیر، تشدید فرقه‌گرایی سیاسی و سازمان‌دهی احزاب بر اساس پایگاه قومی و مذهبی، کاهش توان نظامی دولت مرکزی و افزایش توان و نقش گروه‌های شبه‌نظامی، شکل‌گیری بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی (رشد خط فقر) و تأمین نیازهای اقتصادی شهروندان؛ بنابراین در این سناریو ضمن تشدید و تقویت هویت و گرایش‌های جدایی‌طلبی قومی - مذهبی و فرقه‌ای، درگیری‌ها و منازعات میان گروه‌های قومی و مذهبی با یکدیگر و دولت مرکزی افزایش می‌یابد و هویت ملی بسیار تضعیف می‌شود؛ از این‌رو نظام سیاسی در این شرایط یا به سمت کودتا و سرنگونی خواهد رفت یا اینکه در اثر منازعات داخلی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نظام سیاسی فدرالیسم جای‌گزین خواهد شد.

ب) سناریوی همسویی دیپلماسی و میدان در منطقه و محیط بین‌الملل (هژمون و قدرت برتر منطقه‌ای): این سناریو در راستای عدم قطعیت مورد اول، تحقق‌پذیر است. مؤلفه‌های اصلی این سناریو، موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و همچنین جایگاه منطقه‌ای ایران می‌باشد. ارتقای توان نظامی - امنیتی با به‌روزر بودن و دستیابی به فناوری‌های نوین در این زمینه، راهبرد سیاست خارجی ایران در محیط امنیتی منطقه غرب آسیا را در سطحی برتر قرار می‌دهد؛ بنابراین ایران در صورت بهبود و روبرون‌شدن با عدم قطعیت دوم که در سناریوی اول آمد، با حفظ موقعیت، نفوذ و جایگاهی که دارد می‌تواند این سناریو را محقق سازد. ایران برای تحقق آرزوی دیرینه خود که رسیدن به هژمون منطقه‌ای است، به‌ناگزیر باید افزون برداشتن رقبای فرامنطقه‌ای (قدرت‌های بزرگ)، با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ترکیه و عربستان که آنها نیز مؤلفه‌های هژمون منطقه‌ای را دارا هستند، در رقابت باشد. ایران افزون بر پیشران‌های مؤثری که در اختیار دارد، بایستی در راستای تحقق راهبرد منطقه‌ای خود به سمت همسویی دیپلماسی با میدان برود؛

چون هر یک از اینها به تنهایی نمی‌توانند به تحقق اهداف و منافع ملی و منطقه‌ای و حتی بین‌المللی ایران جامه عمل پوشانند. ایران برای تحقق این سناریو بایستی اولاً در محیط داخلی به یک همسویی، هم‌صدایی و همیت جمعی (درباره برتری دیپلماسی یا میدان) برسد. سپس دیپلماسی را در محیط منطقه‌ای و منطقه‌گرایی پیش برد و در نهایت دیپلماسی را در نظام بین‌الملل پی بگیرد. افزون بر دیپلماسی، در میدان نیز با تجهیز خود به فناوری‌های نوظهور دفاعی - نظامی، بتواند در محیط امنیت منطقه‌ای دست برتر را داشته باشد؛ بنابراین ایران با توجه به مؤلفه‌ها و راهبردی که در محیط امنیت منطقه‌ای دارد، هدف نهایی و غایی خود را رسیدن به این سناریو، یعنی (هژمون منطقه‌ای) قرار دهد.

۲-۷. عراق

پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار عراق در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در برخورداری از موقعیت تاریخی - تمدنی، موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواستراتژیک، منابع زیرزمینی و معدنی، داشتن ارتباط مؤثر با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ویژگی‌های محیط داخلی (شیعیان، اکراد، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) و توریسیم‌پروری مذهبی خلاصه می‌شود (الرواشدی، ۲۰۱۲). این مؤلفه‌ها تا حدودی به پیشبرد اهداف کشور عراق در محیط امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا تأثیر گذارند.

۱-۲-۷. پیشران‌های مؤثر بر آینده عراق در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا

الف) گروه‌های شیعی: جامعه شیعی عراق را می‌توان اصلی‌ترین بخش حامی عراق یکپارچه دانست. به‌رغم تلاش احزاب کرد برای جدایی و تقویت گرایش‌های مرکزگیزی در کردها، شیعیان با تسلط بر ساختارهای قدرت در دولت مرکزی، نیروی اصلی حفظ عراق واحد و مقابله با تمرکززدایی بوده‌اند. دو عامل اساسی در این باره را می‌توان شامل اکثریت جمعیتی شیعی و قرارگرفتن شیعیان در رأس هرم نظام سیاسی دانست (الزبیدی، ۱۳۹۴).

ب) کردها: تاکنون کردها بیشترین تمایلات جدایی طلبانه را در محیط سیاسی عراق از خود بروز داده‌اند و به عنوان نیروی اصلی پیش‌برنده جریان تجزیه عراق به شمار می‌روند. دو جریان اصلی کرد در عراق شامل حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی، از دهه‌های گذشته گرایش جدی‌ای به خودمختاری داشته‌اند و این موضوع در مرام‌نامه این احزاب و رفتارهای آنها نیز ظهور و بروز یافته است. کردها دارای عناصر فرهنگی و هویتی خاصی هستند که آنها را از این حیث نسبت به گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد. به لحاظ فرهنگی و هویتی بین فرهنگ کردستان و فرهنگ عربی عراق، نوعی استقلال و تمایز اساسی وجود دارد. بررسی رویکردهای مرتبط با کردها نشان می‌دهد که فرارفتن از سطح نظام فدرالی و تشکیل نظام کنفدرالی و در نهایت جدایی از عراق و ایجاد دولت کردی آرمان و هدف کلان کردها در منطقه است (الزبیدی و الاخرون، ۱۳۹۴).

ج) اعراب سنی: به دلیل وضعیت ژئواکونومیک محل سکونت اهل سنت، تجزیه عراق به معنای محرومیت از نعمت نفت و دیگر درآمدهای سرشار جنوب و شمال است. کمبود منابع و وابستگی به بودجه دولت مرکزی یکی از موانع اصلی اهل سنت برای تلاش‌های واگرایانه است و این مانع، تأکیدی بر حفظ عراق واحد شمرده می‌شود؛ همچنین غالب سنی‌ها در قسمت‌های خشک و خالی از منابع طبیعی زندگی می‌کنند که در صورت تجزیه، منبعی برای کسب درآمد نخواهند داشت؛ همچنین اهل سنت به لحاظ تاریخی، خود را حاکم بر سرزمین عراق می‌داند و نمی‌خواهد آن را از دست بدهد؛ بنابراین اعراب سنی با وجود نارضایتی‌هایی که از وضعیت سیاسی پس از صدام دارند، به دلایل مختلفی از تجزیه عراق نگران‌اند (Anderson and estansfilld, 2014).

د) بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای: جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذارترین کشور منطقه در اوضاع عراق است (Barbara, 2023). ایران همواره قاطعانه از تمامیت و وحدت عراق دفاع کرده است و دلایل مختلفی برای حمایت از عراق واحد و مخالفت با فدرالیسم گسترده، کنفدرالیسم و تجزیه عراق دارد. تأثیر فدرالیسم گسترده یا کنفدرالیسم، به‌ویژه تجزیه عراق بر تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی آن جدی است؛ به‌ویژه اینکه تشکیل دولت کرد در شمال عراق تأثیر مستقیمی بر گرایش‌های واگرایانه کردهای ایران می‌گذارد. حساسیت ترکیه درباره تحولات عراق را همواره باید از دریچه مسائل کردی و تأثیر تحولات کردستان عراق بر کردهای ترکیه تحلیل کرد. ترکیه با وجود روابط سیاسی و اقتصادی مهمی که با اقلیم کردستان و بارزانی‌ها دارد، همواره بر منافع راهبردی خود درباره حفظ عراق واحد و مخالفت با استقلال کردها تأکید کرده است. ترکیه ابزارهای لازم برای فشار به کردهای عراق را دارد. این ابزارها، راه ارتباطی عراق به اروپا، خطوط لوله انتقال انرژی و مهار منابع آب دو رودخانه دجله و فرات هستند که در مواقع لزوم می‌تواند از آنها استفاده کند (Galbraith, 2013). عربستان نیز به عنوان مهم‌ترین بازیگر عربی در محیط پیرامونی عراق، انگیزه چندانی برای حمایت از فدرالیسم، کنفدرالیسم یا تجزیه عراق ندارد و از عراق واحد حمایت می‌کند. هویت عربی عراق و خطرهای تجزیه عراق بر تمامیت ارضی و امنیت ملی عربستان، از جمله دلایلی است که باعث اتخاذ چنین رویکردی می‌شود. اهمیت هویت عربی برای عربستان، به‌ویژه در برابر ایران و ترکیه از جمله مؤلفه‌هایی است که نگاه رهبران سعودی به تحولات جهان عرب از جمله عراق را اثرگذار می‌کند (Barbara, 2023). اسرائیل ضمن اینکه خواستار تجزیه کشوری بزرگ مانند عراق است، ولی همچنان باور دارد که پیدایش دولت مستقل کرد با تقویت ارتباطات بین اسرائیل و کردها باعث بهبود شرایط امنیتی اسرائیل خواهد شد. اهمیت برقراری روابط با قومیت‌ها و کشورهای غیرعرب منطقه برای اسرائیل در قالب راهبرد محورهای پیرامونی از جمله دلایل تمایل اسرائیل به ایجاد دولت مستقل کردی و تجزیه عراق است. از بازیگران فرمانطقه‌ای می‌توان به آمریکا، روسیه و چین اشاره کرد. هرکدام از این قدرت‌ها اهداف خاص خود را در این کشور دنبال می‌کنند و به استناد

اهدافی که دارند، در پی عراق منسجم و واحد هستند (نورمحمدی و دمیرچی، ۱۴۰۳، ص. ۵۲).

۲-۷. عدم قطعیت و سناریوهای پیش روی عراق در محیط نظام امنیت منطقه‌ای در دهه آینده

با وجود عواملی همچون جایگاه نیروهای داخلی در عراق، دولت مرکزی، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز با برآورد امکانات و راهبردهای موجود، می‌توان تصویری از سناریوهای آینده نظام سیاسی عراق در محیط امنیت منطقه‌ای ارائه کرد؛ بنابراین از مجموع خواسته‌ها، اهداف، منافع و جایگاه سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که در عراق دخیل‌اند، به دو عدم قطعیت اصلی می‌رسیم که در تعیین آینده نظام سیاسی عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا نقش آفرینی می‌کنند: ۱. اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی سیاسی و اجتماعی، تأثیر مثبت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اقتصاد، منابع و موقعیت ژئوپلیتیک و...) که در نهایت در محیط امنیت منطقه‌ای این کشور در پی توازن قدرت است. آرامش و یکپارچگی اجتماعی و سیاسی در این کشور بر اساس مؤلفه‌هایی که دارد، به موقعیت این کشور در محیط امنیت منطقه‌ای در دهه آینده کمک می‌کند؛ از این‌رو بر این اساس منابع اقتدار دولت مرکزی به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی مانند توانمندی نظامی، مشروعیت سیاسی، توان اقتصادی، مدارای قومی و مذهبی و میزان همگرایی گروه‌های مختلف با قدرت مرکزی پیوند خورده است؛ ۲. ضعف و ازهم‌گسیختگی دولت مرکزی (منازعه‌های قومی- مذهبی و سیاسی، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای) یکی دیگر از متغیرهای عدم قطعیت کلیدی است که آینده نظام سیاسی عراق در محیط امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا را معین می‌کند؛ درحالی‌که در عدم قطعیت اول، یعنی اقتدار دولت مرکزی شیعیان نقش اصلی را دارند، در عدم قطعیت دوم نوع، رویکردها و رفتارهای گروه‌های کرد و اهل سنت بیشترین اثرگذاری را دارند.

الف) سناریوی تجزیه: دو مؤلفه اصلی این سناریو عبارت‌اند از: کاهش جدی اقتدار و حاکمیت دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی، مذهبی و سیاسی. در این سناریو دولت مرکزی به تدریج قدرت و مشروعیت خود را از دست می‌دهد و توان اداره امور و مدیریت بحران‌های داخلی را ندارد و به تبع آن اثرگذاری خود را نیز در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا از دست می‌دهد. اصلی‌ترین شاخصه‌ها در ارتباط با دولت مرکزی در این سناریو عبارت‌اند از: بحران سیاسی، همکاری نکردن احزاب و جریان‌های سیاسی برای تشکیل دولت مقتدر و فراگیر، تشدید فرقه‌گرایی سیاسی بر اساس پایگاه قومی و مذهبی، کاهش توان نظامی دولت مرکزی و افزایش توان و نقش گروه‌های شبه‌نظامی از جمله پیشمرگه و شبه‌نظامیان شیعی و سنی، شکل‌گیری بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی و تأمین نیازهای اقتصادی شهروندان و تضعیف هویت و اقتدار ملی. در این سناریو دولت در نهایت سرنگون می‌شود و نظام اداره کشور به دست فرقه‌ها می‌افتد.

ب) سناریوی فدرالیسم: دو مؤلفه اصلی این سناریو را می‌توان افزایش اقتدار دولت مرکزی و افزایش

منازعه‌های قومی، مذهبی و سیاسی دانست. در این سناریو، اقتدار دولت مرکزی و ابزارهای سیاسی و نظامی - امنیتی و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی، مانع از رفتن عراق به سمت فروپاشی و تجزیه (سناریو اول) خواهد شد؛ اما در عین حال تقویت هویت‌های قومی - فرقه‌ای، تشدید مرکزگرایی و افزایش تمایلات گروه‌های قومی و فرقه‌ای برای شکل‌دهی به موجودیت‌های سیاسی محلی یا خودگردانی محلی، سبب می‌شود به گزینه فدرالیسم به عنوان راه‌حلی جدی توجه شود. در این سناریو درحالی‌که منازعات قومی و مذهبی افزایش یافته است، توان و اقتدار دولت مرکزی مانع از آن می‌شود که بحران‌های اساسی در عراق ایجاد شود و بحران‌ها و منازعه‌ها با راه‌حل فدرالیسم مهار می‌شود. نکته مهم در این زمینه، نگرانی بازیگران خارجی از گسترش منازعات درونی عراق به فراتر از مرزهاست و امکان گسترش و سرایت بی‌ثباتی و منازعه به منطقه باعث می‌شود این بازیگران از دولت مرکزی حمایت کنند؛ از این‌رو درنهایت در این سناریو عراق در محیط امنیت منطقه‌ای تضعیف خواهد شد.

ج) سناریوی عراق منسجم: دو مؤلفه اصلی این سناریو شامل افزایش اقتدار دولت مرکزی و کاهش منازعات قومی، مذهبی و سیاسی است. در این سناریو دولت مرکزی موفق می‌شود ارکان قدرت خود را افزایش دهد و به مشروعیت قابل توجهی دست یابد. در شرایطی که توان نظامی و امنیتی دولت مرکزی در سطح بالایی قرار دارد و با اصلاحات اقتصادی و ارائه خدمات، وضعیت اقتصادی کشور بهبود یافته است، همکاری و همکاری جریان‌های سیاسی نیز قابل ملاحظه است. حمایت خارجی از دولت مرکزی عراق، به منظور حفظ ثبات منطقه نیز به افزایش کارآمدی و مشروعیت دولت مرکزی می‌انجامد. براین اساس، اصلی این سناریو، حرکت عراق از تداوم منازعه‌های قومی، مذهبی و سیاسی و نیز بی‌ثباتی‌های نسبی به سمت انسجام و وحدت ملی است؛ از همین‌رو منازعات نیز به تدریج کاهش می‌گردد و عراق در قالب نظام سیاسی دموکراتیک و پارلمانی به سمت شرایط با ثبات‌تری در حرکت خواهد بود. اقلیم کردی نیز با شرایطی که اکنون دارد، همچنان به عنوان تنها واحد فدرالی در کشور عراق ادامه حیات می‌دهد و اختلافات بغداد و اربیل رو به کاهش خواهد رفت (اسدی و راستگو، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۴-۱۵۵).

۸. نتیجه‌گیری

شرایط محیطی (دفاعی - امنیتی) آینده در نظام منطقه‌ای غرب آسیا و وضعیت دو کشور ایران و عراق در این محیط و بازنمایی این نظریه، می‌تواند گامی مؤثر در تحلیل وضعیت محیطی این منطقه باشد. نوآوری در بازنمایی وضعیت محیطی و آینده‌پژوهی بازنمایی شرایط محیطی در دهه آینده و تحلیل وضعیت منطقه غرب آسیا، تخیلی است که ممکن است شرایط شبیه آن در آینده نمایان شود و به وقوع بپیوندد. جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در نظام منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو متفاوت از هم خواهد بود؛ زیرا راهبرد و اهداف دو کشور در محیط منطقه‌ای متفاوت و متضاد است. در این پژوهش، به شیوه

سناریونویسی (سناریوسازی) شوارتز و با اعمال تغییرهایی، وضعیت محیطی (دفاعی - امنیتی) دو کشور ایران و عراق را در دهه پیش رو مورد تحلیل قرار دادیم و به نتایج زیر دست یافتیم:

با توجه به منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش‌رو، به دو عدم قطعیت می‌رسیم: ۱. دوگانگی و ضعف دولت مرکزی (تجزیه، فشار و تحریم)؛ ۲. یکپارچگی دولت مرکزی (همسویی دیپلماسی و میدان). سناریوهای طراحی شده با استفاده از دو عدم قطعیت، عبارت‌اند از: نخست، سناریوی تجزیه و سرنگونی؛ دوم، سناریوی رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای. در مورد عراق نیز با توجه به مؤلفه‌ها و پیشران‌های مؤثر، دو عدم قطعیت طراحی شد: ۱. اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی)؛ ۲. ضعف و ازهم‌گسیختگی دولت مرکزی (منازعات قومی و...). سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از عدم قطعیت‌های موجود، سناریو تجزیه، سناریو فدرالیسم و سناریو عراق منسجم بودند. اما در بعد محیط منطقه‌ای، یافته‌های پژوهش نشان داد که چینش محیطی (دفاعی - امنیتی) در دهه پیش رو در منطقه غرب آسیا، از چهار الگوی متفاوت پیروی می‌کند (الگوی ثبات هژمونیک، الگوی مشارکتی، الگوی موازنه قدرت، الگوی قدرت و هژمون منطقه‌ای). در راستای این الگوها، ایران هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه‌ها و جایگاهی که در منطقه دارد، با طراحی راهبردهای متفاوت در پی حذف رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی و رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای (اجرای سناریوی دوم) برنامه‌ریزی کرده است. اما عراق هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه‌های موجود و جایگاه خود، در پی الگوی مشارکتی و تا حدودی توازن قدرت (سناریوی عراق منسجم و تا حدودی فدرالیسم) طراحی کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدیان، م. (۱۴۰۳). هم‌افزایی کاربردی بازی جنگ و آینده‌پژوهی. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۳(۵)، صص. ۱۸۱-۲۰۵.
- اسدی، ع.؛ راستگو، م.ز. (۱۳۹۸). آینده‌نظام سیاسی عراق، پیشران‌ها و سناریوهای پیش‌رو. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۸(۲)، صص. ۱۴۹-۱۷۰.
- ایجابی، ا. و کولیوند، خ. و متقی، ح. (۱۴۰۲). تحلیل لایه‌لایه‌ای علل جنگ‌های آینده غرب آسیا. *سیاست دفاعی*، ۳۲(۱۲۵)، صص. ۱۹۵-۱۵۹.
- ترزم پور، م. (۱۴۰۳). آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان تا سال ۲۰۲۸م. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۶(۲۰)، صص. ۷۷-۱۱۰.
- خزلی، ا.؛ شاه‌محمدی، م. (۱۴۰۳). سناریوهای آینده نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در افق ۱۴۰۵. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۶(۱۹)، صص. ۵۵-۸۶.
- الرواشدی، ع. (۲۰۱۲). *العرب السنة فی العراق؛ تاریخهم - واقعهم - مستقبلهم*. الرياض: مکتب مجله البيان.
- الزبیدی، ح. ل.؛ العبادی، ن. م.؛ السعدون، ع. ل. (۱۳۹۴). *عراق در جستجوی آینده*. ع. شمس (مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سلیمی، ج. (۱۴۰۰). نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در مهار بحران‌های امنیتی. *محیط راهبردی*، ۵(۱۴)، صص. ۱۴۱-۱۷۴.
- سیرکی، گ. ک. (۱۴۰۳). نقش انرژی در همگرایی و امنیت منطقه غرب آسیا، با تأکید بر الگوی دوستی و دشمنی ایران و عراق در حوزه انرژی. *غرب آسیا*، ۲(۱)، صص. ۱-۲.
- علی‌یاری، ح.؛ رنجبر، م.ر. (۱۴۰۳). راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه). *بحران‌پژوهی جهان اسلام*، ۳(۳۴)، صص. ۱-۲۱.
- غفاری هاشجین، ز.؛ نیکونهاد، ا. (۱۴۰۱). سناریوهای نظم منطقه‌ای خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰م. با تأکید بر کنشگری ایران و عربستان. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۱(۱)، صص. ۱۴۱-۱۰۹.
- فراهی، ف.؛ متقی، ا. (۱۴۰۳). عربستان سعودی و معمای ایران؛ سناریوی محتمل در افق ۲۰۳۰. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۳(۵۰)، صص. ۲۱۳-۲۵۸.
- کریمی‌پور، د.؛ رائیجی، س. (۱۴۰۲). ایران و منطقه غرب آسیا؛ سناریوهای آینده؛ بازار فراورده‌های نفتی. *آینده‌پژوهی راهبردی*، ۲(۸)، صص. ۲۹-۶۰.
- گالبرایت، پ. (۱۳۹۲). *پایان عراق؛ چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟* م. ز.، راستگو و ف. اردیزی (مترجم). تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، ش.؛ جعفری پابندی، س. ف.؛ خوش‌خطی، م. (۱۴۰۲). ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ایران از منظر مکتب کپنهاگ. *سیاست‌تعالیه*، ۱۱(۴۳)، صص. ۳۳۹-۳۵۶.
- موسوی، س.م.؛ قاسمی، ف. (۱۴۰۳). جنگ‌های شبکه‌ای و بازدارندگی؛ مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۳(۵)، صص. ۱۷۵-۲۱۴.
- میرحسینی، ف.؛ عیوضی، م.ر. (۱۳۹۸). سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیک ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا

- در افق ۱۴۱۰. *مطالعات راهبردی بسیج*. ۲۲(۸۳)، صص. ۱۴۳-۱۶۹.
- میرزایی کهنق، ع. (۱۴۰۲). تحلیل توسعه جهانی فناوری‌های مرتبط با ریز پرنده‌ها در یک دهه آتی. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۸(۲۸)، صص. ۳۳-۵۵.
- نورمحمدی، م.؛ دمیرچی، ع. (۱۴۰۳). عمل‌گرایی در سیاست خارجی عراق (۲۰۲۳-۲۰۰۵ م.): ویژگی‌ها و پیامدها. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۳(۳)، صص. ۴۵-۷۳.

References

- Ahmadian, M. (2024). Ham-afzāyī-yi kārburdī-yi bāzī-yi jang va āyandih-pazhūhī [Applied synergy between war games and futures studies]. *Āyandih-pazhūhī-yi Difā'ī*, 3(5), pp. 181–205. [In Persian]
- Aliyari, H., & Ranjbar, M. R. (2024). Rāhburd-hāyi Jumhūri-yi Islāmī-yi Īrān dar majmū'ih-yi amniyyatī-yi khāvarmiyānih bā ta'kīd bar qudrat-i hūshmand (muṭālī'ih-yi mawridī-yi buhrān-i Īrāq va Sūriya) [The Islamic Republic of Iran's strategies in the Middle East security complex with emphasis on smart power (case study: Iraq and Syria crises)]. *Buhrān-pazhūhī-yi Jahān-i Islām*, 3(34), pp.1–21. [In Persian]
- al-Rawāshidī, 'A. (2012). *Al-'Arab al-Sunnah fī al-'Irāq: Tārīkhuhum – wāqī'uhum – mustaqbaluhum* [Sunni Arabs in Iraq: Their history, reality, and future]. Riyadh: Maktab Majallat al-Bayān. [In Arabic]
- al-Zubaydī, H. L., al-'Ibādī, N. M., & al-Sa'dūn, 'A. L. (2015). *Īrāq dar justujū-yi āyandih* [Iraq in search of a future] (A. Shams, Trans.). Tehran: Mu'assasah-yi Muṭālī'āt-i Andīshih-sāzān-i Nūr. [In Persian]
- Anderson, L. & Gareth S. (2014). *The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy or Division?* Martin's Press.
- Anderson, L., & Stansfield, G. (2004). *The future of Iraq: Dictatorship, democracy, or division?* Palgrave Macmillan.
- Asadi, A., & Rastgoo, M. Z. (2019). Āyandih-yi nizām-i siyāsī-yi Īrāq, pīshrān-hā va sināriyū-hāyi pīshrū [The future of Iraq's political system: Drivers and prospective scenarios]. *Muṭālī'āt-i Siyāsī-yi Jahān-i Islām*, 8(2), pp.149–170. [In Persian]
- Buzan B. & Ole W. (2003). *Regions And Powers: The Structure of International Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Buzan, B. & Waver, D. (1998). *Regions And Powers, The Structure of International Security*. New York: Cambridge University Press.
- Buzan, B. (1991). *People, state and fear: An Agenda for International Security Studies in The Past Cold War Era*. London: Harvester; wheat sherp Publication.
- Buzan, B. (1991). *People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-Cold War era* (2nd ed.). Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and powers: The structure of international security*. Cambridge University Press.
- Cats, B. (2018). *Axis Rising, Irans Evolving Regional Strategy and Non-State Partnerships in*

- The Middle East*. CSIS: Center for Strategic & International Studies.
- Cats, B. (2018). *Axis rising: Iran's evolving regional strategy and non-state partnerships in the Middle East*. Center for Strategic and International Studies. URL=
<https://www.csis.org/analysis/axis-rising-irans-evolving-regional-strategy-and-non-state-partnerships-middle-east>
- Dacey, J. B. (2024). *Beyond proxies: Iran's deeper strategy in Syria and Lebanon*. URL=
<https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-insyriaandlebanon>.
- Dacey, J. B. (2024, Month Day). *Beyond proxies: Iran's deeper strategy in Syria and Lebanon*. European Council on Foreign Relations. URL=
<https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-in-syria-and-lebanon>
- Farhadi, F., & Mottaghi, A. (2024). 'Arabistān-i Sa'ūdī va mu'ammā-yi Īrān; sināriyu-yi muhtamal dar ufuq-i 2030 [Saudi Arabia and the Iran puzzle: Likely scenario by 2030]. *Pazhūhish-hāyi Rāhburdī-yi Siyāsāt*, 13(50), pp. 213–258. [In Persian]
- Galbraith, P. (2013). *The End of Iraq: How American Incompetence Created a War without End*. M.z. Rastgoo and F. Ardizi. Tehran: The Center for Islamic Revolution Documents. [In Persian]
- Ghaffari Hashjin, Z., & Nikoonahad, A. (2022). Sināriyu-hāyi nazm-i mantiqih'ī-yi khāvarmiyānih tā sāl-i 2030 bā ta'kīd bar kunishgarī-yi Īrān va 'Arabistān [Scenarios of the Middle East regional order until 2030 with emphasis on Iran and Saudi Arabia's agency]. *Muṭālī'āt-i Ravābiṭ-i Bayn al-Milal*, 15(1), pp.109–141. [In Persian]
- Ijabi, A., Koulivand, Kh., & Mottaghi, H. (2023). Taḥlīl-i lāyih-lāyih'ī-yi 'īlāl-i jang-hāyi āyandih-yi gharb-i Āsiyā [Layered causal analysis of future wars in West Asia]. *Siyāsāt-i Difā'ī*, 32(125), pp.159–195. [In Persian]
- Karimipour, D., & Raeiji, S. (2023). Īrān va mantiqih-yi gharb-i Āsiyā; sināriyu-hāyi āyandih, bāzār-i farāvardih-hāyi naft [Iran and West Asia: Future scenarios in the oil products market]. *Āyandih-pazhūhī-yi Rāhburdī*, 2(8), pp. 29–60. [In Persian]
- Khezli, A., & Shahmohammadi, M. (2024). Sināriyu-hāyi āyandih-yi nizām-I amniyyatī-yi mantiqih-yi gharb-i Āsiyā dar ufuq-i 1405 [Future scenarios of the security order in West Asia by 2026]. *Muṭālī'āt-i Bunyādīn va Kārburdī-yi Jahān-i Islām*, 6(19), pp. 55-86. [In Persian]
- Mirhosseini, F., & Eivazi, M. R. (2019). Sināriyu-hāyi āyandih-yi jāygāh-i zhi'upulitīk-i Īrān dar nizām-i qudrat-i mantiqih'ī-yi gharb-i Āsiyā dar ufuq-i 1410 [Future scenarios of Iran's geopolitical position in the West Asian regional power system by 2031]. *Muṭālī'āt-i Rāhburdī-yi Basīj*, 22(83), pp. 143–169. [In Persian]
- Mirzaei Kahagh, A. (2023). Taḥlīl-i tawsi'ih-yi jahānī-yi fanāvarī-hāyi murtabīṭ bā rīz parandih-hā dar yik dahih-yi ātī [Global development analysis of micro-aerial vehicle technologies in the next decade]. *Āyandih-pizhūhī-yi Difā'ī*, 8(28), pp. 33–55. [In Persian]
- Mohammadi, Sh., Jafari Pabandi, S. F., & Khoshkhatti, M. (2023). Tartībāt-i amniyyatī-yi gharb-i Āsiyā va ta'thīr-i ān bar amniyyat-i Īrān az manzar-i maktab-i Kūpinhāg

- [Security arrangements in West Asia and their impact on Iran's security from the Copenhagen School perspective]. *Siyāsāt-i Mut'āliyyih*, 11(43), pp. 339–356. [In Persian]
- Mousavi, S. M., & Ghasemi, F. (2024). Jang-hāyi shabakih-yī va bāzdārandigī; muṭāli'ih-yi mawridī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān [Network-centric wars and deterrence: Case study of the Islamic Republic of Iran]. *Pazhūhish-hāyi Rāhburdī-yi Siyāsāt*, 13(5), pp. 175–214. [In Persian]
- Nourmohammadi, M., & Damirchi, 'A. (2024). 'Amalgarā'ī dar siyāsāt-i khārijī-yi 'Irāq (2005–2023); vīzhigī-hā va payāmad-hā [Pragmatism in Iraq's foreign policy (2005–2023): Characteristics and implications]. *Muṭāli'āt-i Siyāsī-yi Jahān-i Islām*, 13(3), pp. 45–73. [In Persian]
- Salimi, J. (2021). Naqsh-i qudrat-hāyi maṭṭiqih'ī va farā-maṭṭiqih'ī dar mahār-i buhrān-hāyi amniyyatī [The role of regional and extraregional powers in containing security crises]. *Muḥīṭ-i Rāhburdī*, 5(14), pp. 141–174. [In Persian]
- Siraki, G. K. (2024). Naqsh-i inirzhī dar hamgarā'ī va amniyyat-i maṭṭiqih-yi gharb-i Āsiyā, bā ta'kid bar ulgū-yi dūstī va dushmanī-yi Īrān va 'Irāq dar ḥawzih-yi inirzhī [The role of energy in convergence and security in West Asia, emphasizing the Iran-Iraq friendship-enmity model in the energy domain]. *Gharb-i Āsiyā*, 2(1). [In Persian]
- Slavin, B. (2023). *Iran is still the main foreign power in Iraq*.
URL= <https://www.ispionline.it/en/publication/iran-is-still-the-main-foreign-power-in-iraq-121476>
- Slavin, B. (2023, Month Day). *Iran is still the main foreign power in Iraq*. Istituto per gli Studi di Politica Internazionale. URL= <https://www.ispionline.it/en/publication/iran-is-still-the-main-foreign-power-in-iraq-121476>
- Tarazmpour, M. (2024). Āyandih-pizhūhī-yi ravābiṭ-i Īrān va 'Arabistān tā sāl-i 2028 [Futures studies on Iran-Saudi relations until 2028]. *Muṭāli'āt-i Bunyādīn va Kārburdī-yi Jahān-i Islām*, 6(20), pp. 77–110. [In Persian]